

## پیامی برای افول

## آینده دلار و نقش آن در دیپلماسی مالی

کریستوفر اسمارت<sup>۱</sup> یادداشتی در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۸ با عنوان «آینده دلار و نقش آن در دیپلماسی مالی»<sup>۲</sup> منتشر کرد. در این یادداشت تحلیلی اشاره شده است که متحدان آمریکا نگران قابلیت اعتبار مشارکت ایالات متحده برای شکل دادن به نظام مالی جهانی هستند. روندهای کنونی نشان می‌دهند که سایر اقتصادها، رشد را تجربه کرده و آمریکا را با یک سهم روبه افول از اقتصاد جهانی تنها گذاشته‌اند.

نقش محوری دلار در بازارهای جهانی مالی، منعکس‌کننده اعتماد به رهبری آمریکا و همچنین، فقدان جایگزین‌های معقول است. البته سلطه ارز رایج، رکن اساسی در تلاش‌های آمریکا برای تشکیل یک نظام جهانی حول محور بازارهای آزاد و دموکراسی بوده و در عین حال، به عنوان مبنایی برای رشد پایدار یک اقتصاد جهانی، بیشتر تلفیقی به کار می‌رود. این نقش‌ها اکنون با خطراتی

مواجه‌اند که روبه‌روز نیز در حال افزایش هستند. جمهوری خواهان و دموکرات‌ها، منافع یک نظام اقتصادی باز و مشارکتی را - که احتمالاً مشاغل خوب را تمام کرده و خواهان کمک‌های مالی مداوم از بانک‌های تسویه‌کننده و دولت‌های فاسد خارجی است - زیر سؤال می‌برند. در همین زمان، متحدان و رقبا، هر دو در مورد پایداری رهبری آمریکا و منطق وابستگی با این شدت به یک قدرت مسلط، ابراز تردید می‌کنند. چندان محتمل نیست که چنین سخنی، نشانه‌ای باشد از فروپاشی مالی قریب‌الوقوع یا پیکربندی دوباره نظام جهانی. قدرت نظامی و سیاسی آمریکا، همچنان از همه چیز مهم‌تر است و سرمایه‌گذاران، هنوز هم هر زمان که خطرها بالا بگیرد، به سمت دلار عقب‌نشینی می‌کنند؛ حتی زمانی که آن‌ها از خود آمریکا نشأت گرفته باشند. با وجود این، نشانه‌های یک اجماع از هم پاشیده به آسانی قابل شناسایی هستند که ریشه

آن‌ها، افول درصد موجود از ارز رایج آمریکا در ذخایر ملی و نیز تضعیف اعتماد به توانایی آن برای حفظ انسجام این سیستم است. سرخ‌ها را باید در مؤلفه‌های اولیه گذرگاه‌های مالی که بازارهای دلار را دور می‌زنند، نهادهای مالی بین‌المللی که آمریکا در آن‌ها مشارکت فعال ندارد و روند روبه رشد برگزاری نشست اقتصادی میان وزرای مالی، بدون حضور یک رهبر جستجو کرد. آنچه برای نظام جهانی موجود خطر محسوب می‌شود، جایگزین شدن یک قدرت دیگر به جای واشنگتن در این مسائل و حوزه‌ها نیست، بلکه تهدید عبارت است از فقدان وجود یک رهبر در عرصه‌هایی که روبه‌روز، بیشتر برای تجارت جهانی اهمیت پیدا می‌کنند. بدتر این است که واکنش به بحران مالی آتی، ناهماهنگ و فاجعه‌آمیز خواهد بود. انتخبات میان دوره‌ای ایالات متحده، موجب طرح برخی بحث‌های نودر مورد برنامه کار جهانی آمریکا شدند، اما

1. CHRISTOPHER SMART  
2. The Future of the Dollar and Its Role in Financial Diplomacy



دیدگاه‌ها و اظهارات محدودی نیز به رأی دهندگان یادآور شدند که رهبری مالی بین‌المللی به آمریکایی‌ها، سود می‌رساند نه صرفاً بانک‌های آمریکا. در واقع، وابستگی جهانی به دلار، یک اهرم فشار به واشنگتن می‌دهد تا مبارزه با تروریسم و جرائم سایبری را سازمان‌دهی نموده و قوانینی علیه فساد و فرار مالیاتی ایجاد کند و همچنین، با تدوین قواعدی برای جریان داده جهانی که محرک نوآوری اقتصادی دهه‌های آتی است، از حریم خصوصی حفاظت نماید. در عین حال، ایالات متحده باید بیانیه‌ها و گزارش‌های نشست‌ها را مبنا قرار دهد تا با وجود متحدان و رقبای مردد، بتواند پیشرفت‌های عینی در این عرصه‌ها را به دست بیاورد. با توجه به تمامی فراز و نشیب‌های رهبری آمریکا، این کشور همچنان به تلاش برای فراهم ساختن یک چارچوب جهانی ضروری برای رشد قوی، پایدار و متعادل ادامه می‌دهد. در هر حال، اعتماد به دلار فقط با وجود این حس، پایدار خواهد ماند که نقش آمریکا از مدیر اجرایی به یک شریک مدیریت‌کننده - که برای اتحاد نظام مالی جهانی، البته در کنار منافع خودش مبارزه می‌کند - تغییر نماید. شرکت‌های خارجی به این دلیل از دلار استفاده می‌کنند که مشتریان، تأمین‌کنندگان و رقبایشان نیز از آن استفاده می‌کنند. در نظرسنجی

از 2 درصد نیز متعلق به رنمینی است، اگرچه سهم آن در تجارت جهانی، در حال افزایش است. در نهایت، سرمایه‌گذاران دلار را ترجیح می‌دهند، آن‌هم بخشی به دلیل اینکه شرکت‌ها و دولت‌ها این گونه‌اند و همچنین، به این علت که بازارهای دلار، عمیق‌ترین و پیشرفته‌ترین در نوع خود هستند و همین مسئله، باعث می‌شود تا فرآیند دریافت وام در آن‌ها، هزینه کمتری داشته باشد و یک بازگشت پول مطمئن هم در آن‌ها، بیشتر محتمل است.

تهاترهای اقتصادی برای ایالات متحده روشن هستند. تغذیه ذخایر ارزی جهان، این چشم‌انداز را

که گیتا گوپیناث<sup>1</sup>، پروفسور رشته اقتصاد دانشگاه هاروارد<sup>2</sup> و اقتصاددان ارشد کنونی در صندوق بین‌المللی پول<sup>3</sup> انجام داده، سهم تجارت جهانی ثبت شده به دلار، بیش از سه برابر سهم آمریکا از صادرات جهانی است. دولت‌های خارجی دلار را در ذخایر خود انباشته می‌کنند، چون تمایل دارند تا خود نرخ ارزشان را در مقابل ارز اصلی تجارت در جهان مدیریت کنند. بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، دلار همچنان نزدیک به 62 درصد تمامی ذخایر ملی را تشکیل می‌دهد، یورو 20 درصد و کمتر

1. Gita Gopinath  
2. Harvard  
3. International Monetary Fund

مطرح می‌کند که یک پول موردقبول همگان به شکلی واقعی چاپ شود و همه بتوانند، به وسیله آن اسلحه بخرند، بدون اینکه کره را رها کنند (اشاره دارد به سیاست هم‌چنین، اسلحه و هم نان و آب). همچنین، سلطه دلار این امکان را به آمریکا می‌دهد تا هرگونه هزینه برای انطباق جهانی با سایر کشورها را به تعویق بیندازد یا جهت آن را تغییر دهد. منفعت دیگر عبارت است از «درآمد حاصل از چاپ و انتشار پول» که این منفعت، در واقع نوعی وام بدون بهره از خارجی‌هایی است که دوسوم 100 دلاری‌های در گردش را در اختیار دارند. نسبت به هزینه‌ها، می‌توان گفت که دسترسی آسان آمریکا به اعتبار با هزینه پایین، منجر به نرخ تسعیر قوی‌تر می‌شود که آن هم به صادرات ضربه زده و کسری تجاری و مالیاتی را بزرگ‌تر می‌کند. البته واشنگتن مسئولیت تأمین دلار و دارایی‌های امن در یک بحران را بر عهده دارد.

رابرت ماندل<sup>1</sup> برنده جایزه نوبل اقتصاد، این‌گونه نوشت که «قدرت‌های بزرگ ارزهای بزرگی هم دارند» و به نظر می‌رسد که نفوذ جهانی و ارز جهانی، با یکدیگر پیوند خورده‌اند. قطع به یقین، اگر قدرت نظامی و ثروت اقتصادی ایالات متحده از نقش مرکزی دلار پشتیبانی و حمایت کنند، نفوذ جهانی آمریکا افزایش خواهد یافت،

آن هم به این دلیل که ارزشان بر تجارت، سرمایه و ذخایر ملی سلطه دارد. ایالات متحده شهرت زیادی در استفاده از قدرت نظامی به نمایندگی از منافع اقتصادی و یقیناً خود دلار دارد. مثلاً در زمان‌های مختلف، به ژاپن، آلمان و عربستان سعودی، یادآور شده که تضمین‌های امنیتی آمریکا برای آن‌ها، ضمانت انجام حمایت مالی است، آن هم زمانی که دلار، دچار مشکل شود. همچنین، در جریان بحران کانال سوئز<sup>2</sup>، سلطه دلار به ایالات متحده این امکان را داد تا بریتانیا را وادار به عقب‌نشینی نظامی کند، آن هم با این تهدید که در صورت مخالفت، یک تقاضای عظیم برای پوند استرلینگ، ایجاد خواهد کرد.

در نهایت، قدرت ارز به اعتماد به نیت و قصد منتشرکننده آن وابسته است؛ منافع منتشرکننده به طور طبیعی، ممکن است مسئله اول باشد، اما اگر این منافع با اهداف مشترک رشد و ثبات جهانی همسو شوند، استفاده از آن ارز، افزایش پیدا خواهد کرد. مهم‌ترین کنفرانس‌های اقتصادی قرن بیستم، متحدان سیاسی و نظامی را گرد هم جمع کرد تا در مورد مسائل پولی و سیاست مالی، مذاکراتی دشوار داشته باشند. با وجود رقبا استراتژیکی که بر سر میز مذاکره نشسته‌اند، این بحث‌ها تا چه میزان سخت‌تر خواهد شد؟ زمانی که رهبران گروه جی 20،<sup>3</sup> در

نشست آتی خود برای پرداختن به یک بحران جهانی گرد هم می‌آیند، چین یا روسیه چقدر برای همکاری اشتیاق دارند؟ ایالات متحده منافع خود را مدت‌ها قبل از دولت ترامپ<sup>4</sup>، در اولویت قرار داده اما این اقدام را در راستای ایجاد قوانین و مؤسسات مالی جهانی که برای همه کاربرد دارد، تفسیر کرده است. نگرانی روزافزون متحدان و رقبا، تردیدها و دغدغه مشتریان بانک است که به آن‌ها گفته شده، به این دلیل که مدیریت نیاز دارد تا سهام داران را در اولویت اول قرار دهد، تمامی حق‌الزحمه‌ها افزایش یافته‌اند. این نکته ممکن است که علی‌القاعده درست باشد، اما یک استراتژی تجارت بوده که محل تردید است. در دورانی که سایر قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور هستند، این قوانین توافق شده، قیود و الزامات مشترک، اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند تا از منافع آمریکا حفاظت کنند. آن‌ها در بحبوحه تحول شدت یافته سیاست و تکنولوژی، همچنان با ارزش ترمی شوند.

نفوذ آمریکا به شکلی قابل ملاحظه فراتر از ثبات و اصول بی‌عیب اقتصاد کلان، حرکت کرده است؛ به عنوان مثال، سلطه دلار، از ابزار مقابله با پول شویی، جرائم فرامالی و تروریسم، حمایت کرده است. به‌کارگیری اجباری بانک‌ها برای نظارت و مجازات طیفی از بزهکاران

2. Suez Crisis

3. G20

1. Robert Mundell

4. Trump

تجارت آزاد آمریکای شمالی<sup>۳</sup>، در مورد استانداردهای محیطی و کاری جدید بحث کنند، اهمیت دوچندان دلار برای آمریکا، اهم فشار مضاعفی فراهم می‌آورد تا به وسیله آن، معیارهای شفافیت دولتی را بهبود ببخشند.

البته روندهای کنونی نشان می‌دهند که سایر اقتصادها رشد خواهند کرد و ایالات متحده را با افول سهمش در اقتصاد جهانی، تنها خواهند گذاشت. منتقدان و اندیشمندان بر این باورند که جهانی با چندین ذخیره از ارزهای کم و بیش برابر، عادلانه‌تر و باثبات‌تر خواهد بود. یقیناً، دانشمندان سیاسی مدت‌ها در مورد فواید نسبی یک سلطه جهانی واحد بر نظامی متشکل از چندین قدرت در حال رقابت بحث کرده‌اند. در مورد مسائل اقتصادی و مالی جهانی، ایالات متحده از این نظام به نفع خود استفاده کرده است اما یک نیروی پیش‌ران بنیادین از دیپلماسی مالی پساجنگ برای ایجاد قوانین باز، قابل پیش‌بینی و شفاف تلاش می‌کند. به‌طور قطع، سیاست «دلار قدرتمند» آمریکا، حاکی از یک مسئولیت نظام‌مند بوده و متعهد به هدف قرار ندادن نرخ تسعیر است تا اینکه دیگران نیز همین کار را انجام داده و بدین ترتیب، در طولانی‌مدت سیستم نفع‌برند. حتی برنده‌ترین ابزارها در جعبه تحریم‌های آمریکا در مقایسه



بانک‌ها در کشورهای مختلف با این قانون موافقت نموده و حتی اروپا، نسخه مخصوص به خود را معرفی کرد. در همین زمان، با توجه به اینکه بانک‌های آمریکا بیشتر و بیشتر درگیر حفاظت از اطلاعات شخصی و مالی مشتریان خود شده‌اند، اهمیت دلار در حال شکل دادن به قوانین گسترده‌تری حول محور حریم خصوصی و جریان داده جهانی است. همان‌گونه که قدرت اقتصاد آمریکا موجب شده تا سایر اقتصادها در جریان گفتگوهای تجاری، مانند پیمان تجاری اقیانوس آرام<sup>۲</sup> و حتی بازنگری‌های قرارداد

واقعی و مظنون، از خواست آن‌ها برای حفظ دسترسی به نظام دلار نشئت می‌گیرد. این کار به همکاری بیشتر دولت‌ها در تحقیقات موردی از فروشندگان مواد مخدر و پیگیری اقدامات هماهنگ‌تر از طریق گروه ویژه اقدام مالی<sup>۱</sup>، منجر شده است. قانون آمریکا که براساس آن، بانک‌های خارجی ملزم شدند تا نام مشتریانی که بدهی‌های مالیاتی در این کشور را دارند، گزارش بدهند، با ترس و نگرانی از تعمیم آن به خارج از مرزها و تهدید جریمه‌های دشوار اجرا شد. با این حال، در طول فقط چند سال، دولت‌ها و

3. North American Free Trade Agreement

2. Trans-Pacific Partnership

1. Financial Action Task Force

آن، بهترین مکانیزم را برای مدیریت ثبات مالی و رشد اقتصادی ارائه می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. منبع:

<https://carnegieendowment.org/2018/12/16/future-of-dollar-and-its-role-in-financial-diplomacy-pub-77986>

وابسته می‌باشد، اما تقویت آن برای عصر پرتلاطم‌تر آتی، مستلزم خلاقیت بیشتر سیاسی است. باید به ذی‌نفعان داخلی ناخشنود، محدود منفعت‌های سیاسی را که ایالات متحده از انتشار ارز سرزمین امن جهان به دست می‌آورد، یادآور شد. رهبران سیاسی نیز باید نشان دهند که چگونه مشارکت و تعامل مالی بین‌المللی، می‌تواند از یک اقتصاد جهانی حمایت کند که نه تنها قوی و پایدار بلکه عادلانه و قابل دسترس برای دیگران نیز است. دیپلماسی مالی آمریکا بیشتر از تلاش‌های دیپلماتیک، مستلزم اعتماد به موفقیت است؛ اعتماد رأی-دهندگان نسبت به اینکه مشارکت آمریکا به رفع ترس اصلی‌شان کمک کرده و اعتماد سایر کشورها به اینکه دلار و نهادهای

با کاربردشان در اقدام بین‌المللی علیه جرم، تروریسم یا حاکمیت سرزمینی، کمتر به دلیل تحقق منافع محدود و سطحی استفاده شده‌اند. نه آمریکا و نه ارز رایج آن، به سمت افولی غیرقابل اجتناب در حرکت نیستند. با این حال، دوره‌ای از رنجش و ناراحتی مردم عادی از ساختارهای مالی کنونی در کنار تغییر تخصیص‌های مالی در اقتصاد جهانی، تردیدهایی را درباره تعهد آمریکا به توافق پسا جنگ برتون وودز، مطرح کرده است. گفتار دولت ترامپ و اقدامات حمایت از تولید داخل نیز بر دامنه تردیدها و گمانه‌زنی‌ها افزوده است. حتی با یک بازنگری سطحی از تاریخ، می‌توان پی برد که نظام کنونی به همان اندازه که بر قدرت و سرنوشت آمریکا متکی است، به همان میزان نیز به اجماع

